

## خوانش نقادانه سینمای کودک و نوجوان در گفت و گویا وحید نیکخواه آزاد، کارگردان

# رویای از دست رفته

سید پیمان رواتشید

وحید نیکخواه آزاد، کارگردان، تهیه کننده و فیلمنامه نویسی است که در طول چهار دهه ی گذشته در حوزه ی سینمای کودک و نوجوان فعالیت کرده است. او می گوید: خیلی دلم می سوزد وقتی می بینم سینمای کودک و نوجوان تا این اندازه دچار سقوط و رکود شده است. گفت و گوی وحید نیکخواه آزاد با ماهنامه سینمایی صبا درباره ی دوران طلایی سینمای کودک و کم رونقی آن در چند دهه ی اخیر را در ادامه می خوانید.

پیش از طرح سؤال هایم، اجازه بدهید ببینیم تعریف شما از سینمای کودک و نوجوان چیست؟ و بعد برسیم به پیشینه ی این سینما در ایران؛ قبل از انقلاب و بعد از انقلاب.

من یک تعریف شخصی از سینمای کودک و نوجوان دارم که البته می شود آن را به چالش کشید. به نظر من، «فیلم کودک و نوجوان فیلمی است که اکثریت بچه های یک یا چند گروه سنی، آن را بدون اجبار و با رغبت، تا انتها تماشا کنند.» طبق این تعریف، فیلم های ارزشمند و هنرمندانه ی مثل «خانه دوست کجاست» یا «خمیره» که در مجامع سینمایی از آنها استقبال می شود و جشنواره ها را در می نوردند، فیلم کودک و نوجوان نیستند؛ بلکه ذیل عنوان «فیلم های درباره ی کودک و نوجوان» یا «فیلم های با شخصیت کودک و نوجوان» طبق بندی می شوند. اگر به عوامل مندرج در این تعریف توجه نکنیم، ممکن است در تشخیص اینکه چه فیلمی برای کودک و نوجوانان مطلوب است، به اشتباه بیفتیم.

پس از سال های طولانی فیلمسازی و نیز مدیریت در حوزه ی سینمای کودک و نوجوان، برخورد مخاطبین با این دسته فیلم را چگونه می بینید؟

بگذارید به جای پاسخ دادن به این سؤال خاطره ای را تعریف کنم. در اواخر دهه ی ۶۰، زمانی که گروه سینماهای کودک و نوجوان در تهران و شهرستانها فعال بود، دفتر ما یعنی «خانه ی ادبیات و هنر کودکان و نوجوانان» مسئول اداره ی این گروه بود. در اولین روز نمایش فیلم ارزشمند «خمیره» که جوایز داخلی و بین المللی متعددی هم کسب کرده بود، اتفاقی افتاد که شاید در شکلگیری این تعریف تأثیر زیادی داشت. ساعت ۹ صبح، نمایش این فیلم در سینماهای این گروه برای دانش آموزان آغاز شده بود. یک ساعت بعد زنگ دفتر ما به صدا درآمد. در را که باز کردیم، با صاحب سینما سعدی که مرد محترمی به نام آقای بهمنش بود، روبه رو شدیم که بسیار عصبانی و برفروخته بود و یک ظرف کوچک پر از بنزین هم در دست داشت. تا وارد شد، گفت: «یا این فیلم را الان از سینمای من برمی دارید یا من همین جا خودم را آتیش می زنم!» وقتی علت این همه خشم او را جویا شدیم، گفت: «در این فیلم،